

## شهید مفتاح اسوه وحدت حوزه و دانشگاه

نویسنده: رضا دهقانی

27 آذرماه سالروز شهادت رادمردی است که در راه پیوند دو نهاد انسان‌ساز حوزه و دانشگاه لختی به خود تردید راه نداد و کوشا و ساعی عمر گرانمایه خود را در راه تعالی و سعادت جامعه مبذول داشت شهید مفتاح راه سعادت امت را اسلام می‌داند و عقیده دارد برنامه‌های عبادی این آیین، انسان‌ها را نجات می‌دهد وی معتقد است که شعائر و سنت‌های مذهبی مردم ایران در مقابل شدائد مقاوم بار آورده است.

با وجود آن که شهید مفتاح عالی‌ترین درجه‌های تخصص را در حوزه و دانشگاه احراز کرده بود، به برنامه‌های تعبدی و اعمالی که سازنده روح و روان انسان‌هاست، توجه داشت و دعا را یکی از سرمایه‌های بسیار ارزنده و از حقایق مسلم اسلام و قرآن می‌دانست آن متفکر عالی مقام در خصوص دعا و نیایش می‌نویسد: نیایش درخواست کمال، مقام، موقعیت و خلاصه همه چیزی است که باید با لیاقت و کاردانی به دست نیایشگر آید و تکرار این دعا و خواستن مانند شعاری است که در روح انسان، اثر می‌گذارد و در او نیروی امید و عشق و علاقه به وجود می‌آورد و او را دوره رسیدن به آن هدف به تکاپو و جنبش وامی‌دارد و در اسلام هیچ‌گاه دعا به جای عوامل طبیعی و علل و اسباب به حساب نیامده بلکه همیشه همراه و در کنار آن اسباب قرار می‌گرفته است.»

آن اندیشمند سترگ بر این باور است که اگر استعمار بگذارد مسلمانان جهان با هم ارتباط یابند و اختلافات مرزی و قومی از بین برود اقتدار اسلامی ارمغان آن است که توفان استعمار را در هم می‌پیچد. این توان مذهبی اگر تحقق یابد دیگر به ابرقدرت‌ها اجازه چپاول، غارت و سلطه‌گری توأم با ظلم و ستم به محرومان را نمی‌دهد به حقیقت آن اندیشمند والامقام منادی وحدت تمامی اقشار جامعه بود که با الهام از قرآن و سخنان اهل بیت قومیت‌گرایی، ملیت‌پرستی و گرایش‌های نژادی را آفتی مهلک برای این تشکل قومی اعلام می‌دارد. می‌گوید:

ناسیونالیسم حربه استعمار است و از این طریق بین مسلمین بذر نفاق و تفرقه می‌افشاند. او در سخنان و نوشته‌های نیکوی خویش از دام‌های گوناگونی که استکبار برای مسلمانان تدارک می‌بیند پرده برداشته، به این حقیقت اشاره می‌کند که وقتی امپریالیست‌ها احساس کردند روند سلطه بر مسلمین قابل دوام نخواهد بود و ممکن است این مردم هویت دینی خویش را

بازیبند و زنجیرهای اسارت را پاره کنند، کوشیدند تا حس دینی مردم را ضعیف کرده تردید و دودلی در پایه‌های اعتقادی آنان به وجود آورند و با آسودگی خاطر به غارت منابع آنها می‌پردازند.

### عشق به اهل بیت:

مرحوم مفتاح در خانواده‌ای تربیت شد که ناشر فرهنگ اهل بیت بودند و پدر بزرگوارش در روضه‌ها و سخنان شیوای خویش به مدح و منقبت اهل بیت می‌پرداخت و این فرزند پاک طینت از دوران کودکی با عشق به این خاندان آشنا گردید. طبیعی است چنین روندی، ارمغانی چون محبت به ساحت مقدس آن چشمه‌های ولایت و امامت را به دنبال دارد. اما دکترا مفتاح از راه دیگر به تعمیق این علاقه پرداخت و آن افزایش معرفت خویش نسبت به این خاندان بود. او هرچه بر ایمان و شناخت خویش و اطاعت از اوامر الهی سعی و مجاهدت می‌کرد حب فطری و ملکوتی را در وجود خود افزون‌تر می‌ساخت به طوری که هرچه را از خدا و منتسب به او بود، دوست می‌داشت.

از سوی دیگر چون عاشق کمالات بود و اهل بیت را آراسته به فضائل می‌شناخت آنان را شایسته دلبستگی و مهرورزی می‌دانست و با این عشق و محبت دل را صفا می‌داد و روان را در چشمه این علاقه، تطهیر می‌نمود. عشق و گرایش قلبی آن شهید نسبت به ستارگانی درخشانی آسمان ولایت و خاندان پیامبر تنها علاقه‌ای معمولی نبود بلکه این ارتباط قلبی وسیله جذب و جلب معنویات و بهره گرفتن از خورشید معرفت و معنویت آن بزرگواران شد. همچنین این عطوفت معنوی آن شهید را به جهت‌گیری در مقابل مسائل عصر خویش واداشت و ضمن تلاش‌های فکری و تبلیغی با الهام از سیره اهل بیت به ستیز با ظلم برخاست و در این راه یک لحظه آرام ننشست و خود را موجی دانست که آسودگی آن با عدم، مساوی است آن مجتهد ژرف اندیش بر این باور بود که زیارت بارگاه اهل بیت و سوگواری برای این خاندان دل‌ها را احیا کرده، درس فداکاری و قیام به انسان‌ها می‌آموزد.

### ستیز با جهل و خرافات:

شهید مفتح مبارزه با عنصرت جهل را مهم‌ترین وسیله برای مبارزه علیه رژیم پهلوی می‌دانست او عقیده داشت برای ایجاد تحول در اندیشه‌های مردم لازم است آنان را از دره نادانی به قله آگاهی رسانید وی بعثت پیامبر اسلام را نهضتی علمی- فرهنگی می‌دانست که بر پیکر مرده اجتماع آن عصر روحی تازه دمید و این تحول ریشه‌دار علمی تمامی مسائل اخلاقی و اجتماعی را بر پایه تعقل و مبانی علمی قرار داد. سلسله مقالاتی که تحت عنوان نقش دانشمندان اسلام در پیشرفت علوم، در مجله مکتب اسلام (سال چهارم) از سوی استاد به رشته تحریر درآمد، در پی همین مقصود بود. نفرت ایشان از ناآگاهی و خرافات و مسائل موهوم در نوشته‌ها و مقالات و سخنرانی‌هایش به خوبی آشکار است و گویا رنج آن انسان متفکر از مسائل خرافی و جهل توده‌ها بیشتر از ناگواری‌های دیگر است. از نظر ایشان توسعه علم و پیشرفت افکار تاثیر غیرقابل انکاری در بالابردن سطح اعتقادات و باورهای دینی مردم دارد. او می‌گوید: پاره‌ای از خرافات و افکار بی‌اساس چون پرده‌ای چهره نورانی حقایق اسلام را می‌پوشاند و حربه برنده‌ای به دست دشمنان و غارتگران سرمایه‌های مادی و معنوی مسلمین می‌دهد.

#### تکبیر وحدت:

در زمانی که تبلیغات استثمارگران، دانشگاه را در نظر علما به عنوان مرکز کفر معرفی می‌کرد و تحصیل علوم جدید اعراض از دین شمرده می‌شد، شهید مفتح بی‌اعتنا به افکار موهوم استعماری در حالی که از استادان برجسته حوزه علمیه قم به شمار می‌رفت با انتخابی آگاهانه پا به دانشگاه و جمع دانشجویان نهاد. در آن ایام ایشان درجه اجتهاد را در حوزه احراز کرده بود و پس از مدتی حضور در دانشگاه موفق به اخذ درجه دکتری شد و ساواک در حرکتی حساب شده با دعوت ایشان به دانشگاه برای تدریس مانع از رفتن او به قم شد تا از فضای حوزه دور شود اما آن متفکر پرهیزکار برای تقویت آموزه‌های اسلامی و بوجود آوردن تحولی در فرهنگ این کانون علم و همکاری با استاد شهید مطهری که آن وقت در دانشکده الهیات بود این دعوت را پذیرفت. این دو اندیشمند مسلمان از سال‌ها قبل در سنگرهای مختلف مشغول فعالیت‌های فکری و فرهنگی بودند. دکتر مفتح در شورای مرکزی جامعه روحانیت مبارز تهران در کنار شهید با فضیلت، استاد مطهری در شکل‌دهی و هدایت مبارزات اسلامی ملت ایران، بویژه مردم تهران، نقش فعالی داشت و در تلاش‌های علمی و اجتماعی دست در دست شهید مطهری و به همراهی او پیش می‌رفت.

یکی از شیوه‌های اخلاقی شهید مطهری این بود که در انجام کارهای حساس همواره از دوستان نزدیک و با وفای خویش مدد می‌گرفت و کارها را به نام و به دست آنان اجرا می‌کرد و خود به طور غیرعلنی حساب کار داشت. یکی از افرادی که بیش از

هرکس دیگر در ارتباط با استاد شهید این مسئولیت را می‌پذیرفت، دکتر مفتاح بود. وی عقیده داشت استاد مطهری در تاریخ معارف اسلامی هیچ‌گاه فراموش نمی‌شود و در بزرگداشت شهادتش فرمود: آنچه بیشتر ما را ناراحت کرده، آن تقوا و معنویت، عرفان و پاکی مرحوم آقای مطهری است و به حق جز برای خدا و اسلام به هیچ چیز نمی‌اندیشید. در جلسه مورخه 51/9/25 گروه فلسفه و حکمت اسلامی دانشکده الهیات که با حضور دکتر مفتاح، استاد مطهری و اساتید دیگر تشکیل شد درباره یک طرح تحقیقاتی، مذاکراتی به عمل آمد و مقرر شد کتاب ابوعلی سینا پس از مقابله با نسخ خطی معتبر ترجمه و همراه با متن اصلی چاپ شود، که دکتر عزتی قسمت منطق و دکتر مفتاح بخش فلسفه آن را برای این مهم عهده‌دار گردیدند. ناگفته نماند که در این سال‌ها شهید مفتاح در گروه فلسفه و حکمت اسلامی دانشگاه تهران عضویت داشت در حالی که مدیر این گروه استاد مطهری بود بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به استاد مطهری پیشنهاد تصدی ریاست دانشکده الهیات را دادند که ایشان نپذیرفتند و مرحوم مفتاح را معرفی کردند. وی که سرپرستی کمیته انقلاب اسلامی منطقه چهار را عهده‌دار بود، ریاست دانشکده الهیات و معارف اسلامی را پذیرفت و در دانشگاه برای تغییر برنامه‌های درسی و ایجاد وحدت بین حوزه و دانشگاه جدیت فراوانی بکار برد نامبرده در دانشکده الهیات کلاس‌های منظم و مختلفی ترتیب داده بود که شهید مطهری، حجت الاسلام رفسنجانی و 000 در آن شرکت می‌کردند. استاد مفتاح با عضویت در شورای گسترش آموزش عالی کشور سعی در پایه‌ریزی یک دانشگاه اسلامی نمود که با شهادت ایشان، برنامه مزبور ناتمام ماند.

### الفت دو نهر خروشان در اندیشه و علم شهید مفتاح:

شهید بزرگوار دکتر مفتاح متوجه این نکته بود که دین و علم در کشور ایران قرن‌های متوالی باهم بودند و علم در همان بوستانی می‌رویید که دین در آن جوانه می‌زد و رشد می‌کرد ولی از زمان شروع حرکت‌های استعماری و توطئه‌های غارتگران اروپایی در قلمرو فرهنگ ایران و ورود روشنفکران بریده از دین و دور از اسلام و معنویت و شکل‌گیری دانشگاه منهای معرفت دینی، خطراتی چند نهاد دانشگاه را تهدید میکرد. پس در پی این هدف با کلید دین، باغ اندیشه را باز کرد و دانشگاه را به روی حوزه گشود و با تدریس در دانشگاه نشای مکتب را در مزرعه دانشگاه به وجود آورد و زمانی که توفان سهمگین استکبار از نوع شرقی و غربی آن مشغول پژمردن شکوفه‌های اندیشه بود، نسیم ایمان را به سوی دانشگاه روانه کرد و برای تسخیر دل‌ها و حاکمیت حق و محکم نمودن باورهای دینی نسل جوان، چشمه پر بهره دین را در کویر انسانیت جاری ساخت. شهید مفتاح و شهید مطهری همچون دو خورشید تابناک در آن شب ظلمانی دانشگاه دست به نورافشانی زدند و با درک صحیح از

واقعیت‌های جامعه و شناخت مقتضیات زمان و درک ضرورت تاریخی این مهم سعی در زنده کردن فرهنگ اسلامی در محیط دانشگاه نمودند و افشای فرهنگ استعماری را در کلاس‌های درس، جلسات مخفی و علنی و سخنرانی‌های ارشادی در دستور کار خویش قرار دادند و کوشیدند تا بتوانند حقانیت و اصالت فرهنگ اسلامی را به جوانان ثابت کنند آیت الله مفتاح برای مبارزه با استکبار جهانی سنگری را انتخاب کرده بودند که اگرچه حاصل آن خیلی سریع آشکار نشد اما به موقع توانست اثر عمیق و محتوایی خود را بروز دهد، و آن پدیده انقلاب فرهنگی بود که تحقق آن را مثل هر حرکت سیاسی در جهان برای ملتی که خواهان استقلال به تمام معنا در تمام ابعاد و جوانب است، ممکن ساخت. او در کنار مبارزه با ستم به نقش فرهنگ و آموزش اهمیت می‌داد و جنگیدن با خطوط انحرافی و التقاطی در حیطه فکر و اندیشه را کمتر از ستیز با استبداد نمی‌دانست.

شهید دکتر محمد مفتاح از حوزه علمیه برخاسته و در کوی دانشگاه عاشقانه و صادقانه اقامت گزیده بود و به این دو کانون سرنوشت‌ساز عشق می‌ورزید. به باور او استقلال و آزادی واقعی هر ملت در گرو فرهنگ مستقل و فارغ از قید و بند شرق و غرب و بر بینش رسته از سلطه فکری ابرقدرت‌ها استوار است و تنها وسیله رهایی از این قیودات، پیگیری فرهنگ اصیل و خلاق اسلامی در دانشگاه‌های کشور است که می‌توانند نیازهای علمی و صنعتی کشور را تامین نمایند. او معتقد بود که دانشگاه بازوی توانای اسلام و مسلمین و مرکز تبلور اندیشه‌ها و تجربیات و مهد استقلال و سربلندی کشور است. و می‌دید چه بسیاری دانشجویان پاک و انسان‌های بی‌آلایشی که در دانشگاه‌ها در کمال صفای قلب و پاکی طینت به قصد سرفرازی مردم مسلمان مشغول فراگیری علوم و فنون‌اند، بدین علت از نخستین روزهایی که تلاش‌های فکری خود را آغاز کرد به انس این کانون با بوستان حوزه توجه داشت. تشکیل کانون اسلامی دانش‌آموزان و فرهنگیان قم در واقع از این اقدام ایشان در پی برقراری این الفت به حساب می‌آید. او بر این واقعیت واقف بود که اتحاد و همبستگی دو قشر روحانی و دانشگاهی منافع استعمارگران را در معرض خطر جدی قرار خواهد داد و موجب می‌شود که آنان به اهداف پلید و نیات شوم خویش نرسند حضرت امام نیز با تکیه بر این نکته به استقلال دانشگاه‌ها اهمیت فوق‌العاده‌ای داده و تاکید داشتند: دانشگاه‌ها باید تغییر بنیانی کند و باید از نو ساخته شود که جوانان ما را تربیت کنند به تربیت‌های اسلامی نه اینکه این‌ها را تربیت کنند به تربیت‌های غربی 000 باید دانشگاه اسلامی بشود تا علومی که در دانشگاه تحصیل می‌شود، در راه علت و در راه تقویت علت و با احتیاج علت همراه باشد 000 معنای اسلامی شدن دانشگاه این است که استقلال پیدا کند و خودش را از غرب جدا کند و یک ملت مستقل، یک دانشگاه مستقل، یک فرهنگ مستقل داشته باشیم. از این رو احتیاج به نیروهای پر توان و کاردان به منظور هدایت مردم با فرهنگ اصیل اسلامی و تلاش برای پیوند دادن دو بال اندیشه و علم، بیش از هر زمان دیگر نمایان شده بود. لحظه‌ای حساس و سرنوشت‌ساز که دیر جنبیدن و سکوت اختیار نمودن با هلاکت و افتادن در ورطه استعمار و مرداب وابستگی مساوی بود. اما بر این باور بود که اگر دانشگاه از روحانیت جدا بشود و روحانیت از دانشگاه و هر دو از مردم جدا

باشوند، این نهضت به ثمر نمی‌رسد. از این جهت توصیه امام بر آن بود که دانشگاه پیوند خویش را با فیضیه محکم کند و فیضیه محکم کند پیوستگی خودش را با دانشگاه. شما دو قشری هستید که اگر اصلاح بشوید، اصلاح می‌شود ملت‌ها 000

دانشگاه و حوزه دو مرکز قوی فرهنگی و دانشجو و روحانی دو مغز متفکر اجتماع‌اند. حرکت همگون و هماهنگ این دو نیروی فکری موجب رشد و تعالی امتی در جهت صلاح و صواب است. از این رو در گذشته سعی بر آن بود که با تبلیغات وسیع و روزافزون میان این دو قشر همگون فاصله انداخته، حتی نوعی بیگانگی، تضاد و درگیری به وجود آورند. شهید دکتر مفتاح با پشتوانه‌ای از علم و ایمان دانشگاهیان را متوجه این توطئه خطرناک نمود و تلاش وی در این زمینه به قدری موثر واقع شد که طبقه تحصیلکرده و دانشگاهی اعم از استاد و دانشجو نیاز شدید خود را در پیوند با حوزه حس کرده، به سرعت در صدد رفع موانعی برآمدند که استعمار بر سر این راه به وجود آورده بودند. پیوند فکری دانشگاه با حوزه و هماهنگی این دو در آگاه کردن عموم مردم سبب افزایش سطح آگاهی‌های عمومی و گسترش و اوج‌گیری فرهنگ اسلامی در سطوح مختلف جامعه شد. دکتر مفتاح که در پی ایجاد یک جامعه نیاز شدید خود را در پیوند با حوزه حس کرده به سرعت در صدد رفع موانعی برآمدند که استعمار بر سر این راه به وجود آورده بودند. پیوند فکری دانشگاه با حوزه و هماهنگی این دو در آگاه کردن عموم مردم سبب افزایش سطح آگاهی‌های عمومی و گسترش و اوج‌گیری فرهنگ اسلامی در سطوح مختلف جامعه شد. دکتر مفتاح که در پی ایجاد یک جامعه زنده از بذل جان خویش دریغ نکرده معتقد بود که یک جامعه زنده همانند یک فرد زنده بین همه اقشار و گروه‌هایش هماهنگی است. یعنی همه باید باهم یک مسیر و هدف را تعقیب کنند و درست هماهنگ و موزون و حساب شده به سوی یک مقصد رهسپارند.

بنابراین باید در جهت ایجاد یک وحدت اساسی که عامل احیای زندگی دوباره است کوشید.

او از خداوند می‌خواست که اتحاد قشرهای پیشرو جامعه بتواند مبارزه با استکبار و استبداد را به پیروزی برساند و انقلاب اسلامی مرزهای جغرافیایی را درنور دیده، نه تنها کشورهای اسلامی را از سلطه نجات دهد بلکه محرومان جهان را حرکت داده، در آنها جنبش به وجود آورد و بر اندام ابرقدرت‌ها لرزه افکند. سعی او بر این بود تا آن هماهنگی و اختلاط سازنده با مردم جامعه که ارزش‌های سالم و از خصوصیات بارز حوزه‌های علمیه است در دانشگاه مورد ملاحظه قرار گیرد. و نیز دانشجو مردم جامعه خود را از نزدیک بشناسد و آموختن دانش، او را از این پدیده مهم غافل نکند. او برای آنکه اخلاص، صفا، ایثار، معنویت، احترام به سنت‌های اصیل و ارزشمند را به دانشگاه ببرد با تمامی توان و بر خلاف جو آشفته آن زمان کوشید وقتی که گروهی تفرقه‌افکن شایع کرده بودند که ایشان می‌خواهد در لباس دانشجویان تغییراتی به وجود آورد، در سخنانی که در جمع دانشجویان مدرسه عالی پارس به سال 1358 ایراد نمود، گفت: لباس را من ابداً مطرح نکردم. الان دانشجویان خود من در دانشکده الهیات، دانشجویان مذهبی هستند، اکثرشان هم در این لباس که من هستم، نیستند، آنجا که می‌گوییم قشر روحانی

و دانشگاهی، نمی‌گوییم قشر معمم و غیرمعمم، سخن از لباس نیست، سخن از محتوا است 000 مسیر پیشرفت جامعه را مغزهای اندیشمند و متفکر تعیین می‌کنند؛ این مغزهای اندیشمند خواه اندیشمندان آگاه در علوم معنوی و مذهبی و یا اندیشمندان در علوم مادی و رشته‌های دیگر اگر باهم باشند، جامعه جلو می‌رود.

آن متفکر وارسته احساس کرد که دانشگاه همواره بستر توطئه‌های مخرب دشمنان است و یکی از شیوه‌های مصونیت محیط‌های علمی از چنین انحرافات، وحدت حوزه و دانشگاه است. از نظر وی دانشگاه به تهذیب و تربیت اسلامی که ویژگی بارز حوزه‌های علمیه است نیاز دارد به موازات آن شیوه‌های جدید پژوهش و تحقیق علمی دانشگاهی در مراکز حوزوی باید مورد توجه قرار گیرد وقتی دانشجو سادگی و بی‌آلایشی زندگی و درس طلبه‌ها را از نزدیک مشاهده کند و نسیمی از این صفا و خلوص در فضای دانشگاه بوزد و عطری از این بارقه‌های معنوی در مشام جان تحصیلکرده‌ها پراکنده شود روح تفاهم و دوستی و عطش برای نزدیکتر شدن حوزه و دانشگاه، افزایش می‌یابد و این همان مسأله‌ای است که استاد مطهری و دکتر مفتاح در پی آن بودند.

اقدام عملی شهید مفتاح به دنبال تحقق این وحدت سعی در تغییر نظام آموزشی دانشکده الهیات بود. وی راه حل مشکلات کشور را اسلامی کردن دانشگاه می‌دانست، دانشگاهی که هدف آن پرورش انسان‌های دانشمند، دیندار، متعهد و درستکاری است که علم و تخصص خود در راه آبادی کشور و تامین سعادت مردم به کار می‌گیرند و در طریق استقلال، عزت و عظمت کشور جدید دارند. در برنامه این دانشگاه دروسی تدوین می‌شود که بر طبق نیازهای واقعی کشور و مردم است و جنبه‌های معنوی هم رعایت می‌گردد.

محیط چنین دانشگاهی عرصه بحث و تحقیق، علم و عمل توأم با اخلاص و معنویت است و افراد آن تعلیم و تعلم و کوشش علمی و تلاش‌های فکری را عبادت تلقی می‌کنند. به عقیده دکتر مفتاح انس حوزه و دانشگاه با یکدیگر در تحقیق اهداف یاد شده تاثیر مهمی دارد. البته رسیدن به چنین وحدت خود نیاز به تربیت دینی و معرفت دارد. دلیل اینکه مرحوم مفتاح در پی وحدت اقتصادی و فرهنگی دانشگاه و حوزه تلاش می‌کرد، آن بود که همکاری و تشریک مساعی این دو قشر در دو محور حیاتی و بسیار مهم ظاهر می‌شود. یکی از این دو محور مشارکت حوزه و دانشگاه در زمینه احیای علوم انسانی و جنبه علمی و تحقیقاتی است از نظر علمی چنین تعامل و همکاری ضرورت تام دارد. گرچه علم به صاحبش روشنایی و توانایی می‌بخشد ولی باید جویای علم از ایمان و تقوا برخوردار باشد تا عشق و امید و مسئولیت در او احیا گردد و از طرفی ایمان فاقد معرفت هم چندان ارزشی ندارد و ایمان در روشنایی علم از خرافات و تعصبا و گرایش‌های جاهلی دور می‌ماند. پس علم و ایمان نه تنها باهم تضادی ندارند بلکه یکدیگر را تکمیل می‌کنند و این خود ضرورت وحدت دو مرکز علم و دین را به وجود می‌آورد. جامعه ایده‌آل معنوی و اسلامی باید در پرتو معرفت الهی و علوم حوزوی آمیخته با علوم بشری و وحدت تمامی اقشار به عرصه ظهور

پیوندند. استاد شهید مطهری چه نیکو گفته است: آنچه که ایمان بوده و علم نبوده است مساعی بشردوستانه افراد صرف اموری شده که نتیجه زیاد و احیاناً خوب به بار نیاورده است و گاهی منشأ تعصبها و جمودها و احیاناً کشمکش‌های زیان‌بار شده است. تاریخ گذشته بشر پر است از این گونه امور.

آنجا که علم بوده و جای ایمان خالی مانده است مانند برخی جوامع عصر حاضر تمام قدرت علمی صرف خودخواهی‌ها و خودپرستی‌ها، افزون‌طلبی‌ها، برتری‌طلبی‌ها، استثمارهای و 000 شده است. محور دیگر همکاری این دو کانون مقدس اداره و مدیریت نظام جمهوری اسلامی است، زیرا نظام مطلوب اسلامی تلاش خود را بر بهره‌وری از دستاوردهای علوم بشری در مسیر کمال و رشد معنوی انسان می‌گمارد و این مهم جز به مدیریت کامل و فراگیر که هم دینی باشد و هم عملی، صورت نخواهد گرفت. اصولاً تشکیلات جمهوری اسلامی و اداره آن که در قانون اساسی ترسیم شده مشارکت سازنده و همکاری نزدیک و مستحکم این دو مرکز را نوید می‌دهد که جز در پرتو دو رکن اساسی پایه و مایه نمی‌گیرد:

الف- وحدت ریشه‌ای در باورها و انگیزه‌های دینی، معنوی، اخلاقی و عبادی

ب- برخورداری از فرهنگ و زبان مشترک و فراهم بودن زمینه برای ارتباطات فرهنگی حوزه و دانشگاه با تلاش متفکرانی چون شهید مطهری و شهید دکتر مفتاح این دو قشر نیاز به هماهنگی را در وجود خویش حس کردند.

قشر دانشگاهی درک کرد که بدون هماهنگی با روحانیتی که بر عموم جامعه تاثیر همه جانبه دارد و مبلغ و ناشر فرهنگ اسلامی است هیچ اقدام مثبتی نمی‌شود انجام داد و اگر هم تلاشی صورت گرفته ناقص بوده و غایت آن به شکست خواهد انجامید.

آنچه سبب شد تا روحانیت به دانشگاهی توجه کند این واقعیت بود که بدون در نظر گرفتن اقشار صاحب تخصص و دارای توانایی‌های علمی و فنی و برخوردار از مهارت‌های پژوهشی رشد و توسعه علمی، فرهنگی و رونق و شکوفایی جامعه میسر نخواهد شد.

---

فهرست منابع:



1- مفتح، محمد: روش اندیشه، تهران، موسسه تحقیقاتی و انتشاراتی نور.

2- مفتح، محمد: حکمت الهی و نهج البلاغه، تهران، پیام آزادی.

3- مفتح، محمد: نقش دانشمندان در پیشرفت علوم، روابط عمومی سازمان پژوهش‌های علمی و صنعتی ایران.

4- مفتح، محمد: مکتب اخلاقی و تربیتی امام صادق علیه‌السلام، قم، جهان‌آرا.

5- مفتح، محمد: آیات اصول اعتقادی قرآن، تهران، موسسه تحقیقاتی و انتشاراتی نور.

6- باقریده‌ندی، افکار استاد شهید دکتر محمد مفتح، قم، پیام اسلام.

7- فرازهایی از زندگی شهید دکتر مفتح، واحد فرهنگی بنیاد شهید.

8- زمانی، مصطفی: ابراهیم بت شکن یا قهرمان توحید، قم، پیام اسلام.

9- شهید مفتح و احیای تفکر اسلامی، پیام انقلاب، ش 74

10- مردی در راستای تشیع سرخ، مجله اعتصام، شماره 8

11- به یاد منادی وحدت روحانی و دانشجو، مجله پیام انقلاب، شماره 299

منبع: سازمان تبلیغات اسلامی

به نقل از سایت راسخون